

توالی واژه در ترجمه همزمان

علیرضا خان‌جان

در این نوشتار از معضل آرایش سازه‌ای جمله یا ترتیب واژه‌ها^۱ در ترجمه همزمان مخصوصاً در ترجمه از فارسی به انگلیسی سخن خواهیم گفت. برخلاف ترجمه نوشتاری که عموماً از زبان بیگانه به زبان مادری انجام می‌شود (تا آنجایی که می‌توان جهت بی‌نشان را در ترجمه متعارف یا ترجمه به معنای اخص کلمه^۲ حرکت از زبان بیگانه به زبان خودی تلقی کرد)، ترجمه همزمان غالباً فعالیتی توأمان است زیرا عموماً در موقعیت تعامل دوجانبه صورت می‌گیرد. فرض کنید که شما در اتاقک ترجمه همزمان نشسته‌اید و در جریان یک کارگاه آموزشی یا سمینار علمی مشغول ترجمه هستید؛ گوینده به زبان انگلیسی سخن می‌گوید و شما به فارسی برمی‌گردانید. اغلب اوقات، رویدادهایی از این دست با ارائه مطلب سخنران یا مدرس آغاز می‌شود و در پایان یا در میانه هر نشست، امکان طرح پرسش از سوی مخاطبان نیز وجود دارد یا حتی ممکن است گوینده خود به طرح پرسش از مخاطب بپردازد. در چنین موقعیت‌هایی، شما بلافاصله ناگزیر از چرخش بین دو زبان خواهید بود. در رویدادهایی همچون جلسات رسمی سیاسی یا تجاری که مشارکین رویداد درگیر چانه‌زنی یا مناقشه و مباحثه مستمر می‌شوند، طبعاً آمد و شد مترجم همزمان بین دو زبان مبدأ و مقصد به دفعات بیشتری صورت خواهد گرفت.

منظور از این مقدمه کوتاه اشاره به این نکته بود که در امر آموزش و تمرین ترجمه همزمان شما نمی‌توانید صرفاً بر یکی از دو جهت زبانی دخیل تأکید کنید بلکه ناگزیر از توجه توأمان به هر دو جهت خواهید بود. در ادامه، خواهیم دید که این موضوع حائز اهمیت بسیاری است و در تهیه طرح درس معلم ترجمه همزمان یا طراحی تمرین برای

¹ Word order

² Translation proper

کلاس درس یا انتخاب داده برای خودآموزی و صدالبته طراحی آزمون ترجمه همزمان موضوعیت خواهد داشت. مسئله آن است که در صورت وجود تفاوت‌های رده‌شناختی فاحش بین دو زبان مبدأ و مقصد، ترجمه همزمان از زبان «الف» به زبان «ب» ممکن است دنیایی کاملاً متفاوت از ترجمه همزمان در جهت معکوس آن باشد و به تکنیک‌ها و راهبردهای متفاوتی نیاز داشته باشد.

این نگارنده در تجربه عملی خود در ترجمه همزمان و از طریق بازخوردهایی که طی چند سال تدریس ترجمه همزمان از شاگردان خود دریافت کرده به این نتیجه رسیده است که مهم‌ترین چالش ترجمه همزمان از فارسی به انگلیسی در سطح نحو به موضوع «آرایش واژه‌ها» در جمله بازمی‌گردد؛ چالشی که در جهت عکس آن چندان موضوعیت نخواهد داشت. نیازی به گفتن نیست که مشکل مورد نظر در این نوشتار در ترجمه همزمان از زبان فارسی به زبان دیگری که دارای «آرایش واژگانی زیربنایی»^۳ یکسانی با زبان فارسی است، مطرح نخواهد بود. شایان ذکر آن‌که پژوهشگرانی همچون سیتون (۱۹۹۹: ۵۶-۵۰) نیز بر این باورند که ترجمه همزمان از زبان‌های SOV به سایر زبان‌ها ماهیتاً چالش‌برانگیز بوده و راهبردهایی را برای غلبه بر این چالش‌ها ایجاد خواهد نمود. دشواری ترجمه همزمان از زبان‌های SOV به دلیل آن است که جملات طولانی عموماً با تحمیل بار بیشتر به حافظه کوتاه‌مدت، سرعت درک را کاهش می‌دهند و ذهن مترجم را تحت فشار می‌گذارند (گیل، ۱۹۹۵، به نقل از شعبانی، ۲۰۰۴: ۱۳).

می‌دانیم که هر زبانی دارای یک آرایش واژگانی زیربنایی است که ساختار جمله را در نوع بی‌نشان (یا غیرمؤکد) آن رقم می‌زند. مثلاً آرایش واژگانی زیربنایی جمله بی‌نشان در زبان عربی VSO است یعنی از میان سه سازه اصلی جمله، ابتدا فعل، سپس فاعل و در نهایت مفعول ظاهر می‌شود:

(۱) كَتَبَ عَلِيٌّ مَكْتُوبَةً.

زبان فارسی، در مقابل، دارای آرایش واژگانی زیربنایی SOV است یعنی در جمله متعارف فارسی ابتدا فاعل، سپس مفعول و در پایان، فعل ظاهر می‌شود:

(۲) علی نامه را نوشت.

³ Underlying word order

در زبان انگلیسی نیز شاهد آرایشی متفاوت با این دو زبان هستیم (SVO):

(3) Ali wrote the letter.

در رده‌شناسی زبان عقیده بر آن است که زبان‌های تصریفی دارای آرایش واژگانی آزادتری هستند مثلاً زبان روسی از آرایش واژگانی بسیار انعطاف‌پذیرتری در مقایسه با زبان انگلیسی برخوردار است (چرنوف، ۲۰۰۴: ۱۴۵). پرسش آن است که این تفاوت رده‌شناختی چه تأثیری در عملکرد مترجم همزمان بر جای می‌گذارد؟ تا جایی که به جایگاه بی‌نشان (معمول) فعل در جمله مربوط می‌شود، در ترجمه جمله‌های طولانی از زبان‌های «فعل-انتهایی»^۴ به زبان‌های «فعل-آغازین»^۵ به دلیل تأثیر عامل «زمان» احتمال عقب ماندن مترجم از گوینده به‌طور بالقوه وجود خواهد داشت. چرنوف (۲۰۰۴: ۱۴۵) تصریح می‌کند که تغییرات فاحش در توالی واحدهای معنایی، موضوعی که در ترجمه نوشتاری امری عادی به شمار می‌آید، در ترجمه همزمان به دلیل شکل‌گیری خطی گفتمان بر روی محور زمان و به علت محدودیت «حافظه کاری»^۶ مترجم که قادر به نگهداری صرفاً شمار محدودی از عناصر است، اغلب کاری غیرممکن تلقی می‌گردد. یادآوری می‌شود که بیشتر دشواری‌های ترجمه همزمان ناشی از تنگنای زمان و سایر متغیرهای متأثر از آن از جمله محدودیت دسترسی به واحدهای نحوی آماده پردازش و تقسیم تمرکز مترجم برای توجه توأمان به گفتمان ماقبل و مابعد است (گیل، ۱۹۹۷ به نقل از شعبانی، ۲۰۰۴: ۱۳).

در میان سازه‌های تشکیل‌دهنده جمله، سازه فعل، مهم‌ترین سازه بوده و مرکز ثقل جمله به شمار می‌آید و به مانند سیاره‌ای عمل می‌کند که سایر سازه‌های جمله یعنی فاعل و مفعول همچون «قمر»^۷ حول محور آن می‌گردند. از این رو، ترجمه همزمان

^۴ Verb-final languages

^۵ Verb-initial languages

^۶ - «حافظه کاری» (working memory) بخشی از حافظه کوتاه‌مدت است که ظرفیت محدودی دارد و مسئول نگهداری، پردازش و تعدیل موقت اطلاعات است. حافظه کاری را می‌توان به «حافظه موقت» (clipboard) در رایانه مانند کرد که با ظرفیتی محدود قادر به نگهداری اطلاعات در مدتی کوتاه به منظور برداشتن از جایی و گذاشتن در جای دیگر است. ترجمه همزمان اساساً این نوع حافظه را در ذهن درگیر می‌کند.

^۷ Argument

جملات فارسی به انگلیسی مخصوصاً اگر کاربرد گروه‌های اسمی مفعولی متعدد (دادهٔ ۴)، استفاده از صفات متعدد و متوالی (دادهٔ ۵) یا کاربرد جملات یا عبارات‌های بدلی (دادهٔ ۶) به طولانی شدن جمله انجامیده باشد، به‌طور بالقوه چالش‌برانگیز خواهد بود^۱:

(۴) رئیس‌کل سازمان امور مالیاتی کشور استفاده از فاکتورهای جعلی، عدم دسترسی به اطلاعات بانکی، فقدان ضمانت‌های اجرای قانون و به‌طور کلی، شیوع اقتصاد زیرزمینی را به عنوان مهم‌ترین چالش‌های نظام مالیات بر ارزش افزوده برشمرد.

(۵) رئیس‌کل سازمان امور مالیاتی کشور استفاده از فاکتورهای جعلی، غیرواقعی و ساختگی و شیوع اقتصاد سیاه، زیرزمینی، غیررسمی و ثبت‌نشده را در زمرهٔ چالش‌های نظام مالیات بر ارزش افزوده برشمرد.

(۶) رئیس‌کل سازمان امور مالیاتی کشور، در جایگاه معاون وزیر امور اقتصادی و دارایی و نمایندهٔ ویژهٔ رئیس‌جمهور در ستاد تجهیز منابع درآمدی کشور، شیوع اقتصاد زیرزمینی را به عنوان مهم‌ترین چالش نظام مالیات بر ارزش افزوده برشمرد.

مسئله آن است که چنان‌چه ترجمهٔ همزمان از زبانی همچون فارسی که در آن فعل در آخر یا نزدیک به آخر جمله ظاهر می‌شود به زبانی همچون انگلیسی که در آن جایگاه بی‌نشان فعل اوایل جمله است، صورت بگیرد، مترجم در بازسازی بلافصل ساختار جملهٔ مقصد به دردمس خواهد افتاد چون بلافاصله بعد از فاعل، به سازهٔ فعل نیاز خواهد داشت. نکته در این‌جا است که مترجم همزمان، چنان‌که گفته شد، در تنگنای همیشگی «زمان» قرار دارد و بار روانی این محدودیت ممکن است تمرکز مترجم را مختل سازد. بنابراین، او قاعدتاً نمی‌تواند وقت خود را تا شنیدن سازهٔ فعل تلف کند. گاهی البته، انتظار برای کامل شدن جملهٔ مبدأ به معنای انفعال مطلق نیست چون مترجم می‌تواند در حین انتظار، درگیر رمزگردانی و به خاطر سپردن سایر

^۱ - در این‌جا باید یادآور شد که چالش ترجمهٔ همزمان از زبان‌های SOV یک دشواری نسبی است و کنش عملی ترجمه را به‌طور مطلق به بن‌بست نمی‌کشاند. به عنوان مثال، متغیر «نوع متن» (text type) در تعیین سطح دشواری ترجمه اثرگذار است به گونه‌ای که فرضاً در گفت‌وگو علمی به دلیل تولید جملات کوتاه، ارجاعات ساده، تکرار و مکت، مسئلهٔ فعل-انتهاپی بودن زبان فارسی برای ترجمهٔ همزمان به زبان انگلیسی چالش‌چندانی به همراه نخواهد داشت (شعبانی، ۲۰۰۴: ۲۶).

واحدهای نحوی و معنایی گردد (شعبانی، ۲۰۰۴: ۲۱) تا به محض شنیدن فعل جمله مبدأ بلافاصله با افزایش سرعت گفتار، ترجمه خود را در زبان مقصد ارائه دهد. شایان ذکر آن که مترجمان همزمان عموماً از راهبرد کلان «تعقیب^۹» در حین ترجمه استفاده می‌کنند که طی آن، مترجم بلافاصله پس از شنیدن نخستین واحد معنی‌دار مبدأ، کار خود را شروع می‌کند و سایه به سایه گوینده را با بازتولید گفته‌های وی در زبان مقصد تعقیب می‌کند. بدیهی است در انجام این تکنیک در ترجمه همزمان از فارسی به انگلیسی، چنانچه فعل به هر ترتیبی از فاعل فاصله بگیرد، تعقیب بلافاصله ممکن است به تولید جملات غیرطبیعی و نامأنوس یا حتی غیردستوری منتهی شود و ممکن است رشته کلام را از دست مترجم خارج کند. از این رو، مترجم همزمان فارسی-انگلیسی باید از قبل خود را با ممارست و تمرین، به راهکارهای جبرانی گوناگون تجهیز کرده باشد تا در موضع عمل بتواند به‌طور ناخودآگاه آن راهکارها را در برگردان جملات یادشده به کار بندد. در این نوشتار از برخی از این راهکارها یاد خواهیم کرد.

قبل از ادامه بحث، اما، مایلم نکته‌ای را در اهمیت تمرین در ترجمه همزمان خاطرنشان سازم. کار مترجم همزمان بیش از هر چیز به هنر بازیگر تئاتر شباهت دارد. از جنبه روانی و از حیث آمادگی ذهنی، ایفای نقش بر روی صحنه نمایش و انجام ترجمه در اتاقک ترجمه همزمان، هر دو متکی به تمرینات مستمر قبلی است. همان‌طور که بازیگر تئاتر بدون تمرین کافی از آمادگی جسمی و شادابی ذهنی ایفای نقش در صحنه نمایش دور خواهد شد، مترجم همزمان نیز لازم است در همه حال، خود را در موقعیت‌های ساختگی تمرین ترجمه همزمان قرار دهد (در حین گوش دادن به رادیو، در حین استماع یک سخنرانی سیاسی یا یک نطق انتخاباتی یا در حال گوش سپردن به گفتگوهای روزمره مردم در مترو، اتوبوس و ...) تا عادت کاربرد هر دو نیمکره چپ و راست مغز در آن واحد را از دست ندهد. به نظر این نگارنده، آنچه در حین تمرین ترجمه همزمان روی می‌دهد نوعی فرآیند «عادت‌سازی»^{۱۰} است که طی آن، مترجم خود را به استفاده همزمان از نواحی مختلف مغز عادت می‌دهد به‌طوری‌که مغز به تدریج به انجام هر سه فرآیند «دریافت»، «پردازش فکری» و «تولید زبانی» در آن واحد عادت کند.

^۹ Shadowing

^{۱۰} Habit formation

برگردیم به راهکارهای جبرانیِ مورد استفاده مترجم همزمان در برگردان جملات طولانیِ فارسی به انگلیسی. نخستین راهکاری که مترجم همزمان در صورت تمرکز بر کلیت موضوع مورد بحث می‌تواند به کار بندد، امکان «پیش‌بینی» از روی قرائن بافتی است. در این جا، منظور ما از بافت، بافت بلافصل زبانی یا موقعیتی است^{۱۱}. مسئله آن است که مترجم همزمان به‌طور غریزی در محدوده جمله‌ای که دارد گوش می‌کند و جمله‌ای که دارد تولید می‌کند، می‌اندیشد و مقید به گفتمان بلافصل است. در نتیجه، ممکن است بعد از بیرون آمدن از اتاقک ترجمه همزمان از شما پرسند که آیا با نظرات سخنران موافق بودید یا مخالف و شما اصلاً به خاطر نیاورید که آن نظرات اساساً چه بوده است. معنای این حرف آن است که ذهن مترجم همزمان، ماشین‌وار حول لحظه حال و اکنون می‌چرخد و دقیقاً از همین روست که کاربرد تکنیک پیش‌بینی (یا حدس زدن) را به بافت بلافصل و نه بافت کلان نسبت داده‌ایم. فرض کنید که سخنران دارد درباره شاخص‌های کمی اقتصادی یا مالی سخن می‌گوید. در چنین بافتی، فرضاً در ترجمه جمله شماره (۷)، مترجم می‌تواند از روی بافت زبانی، به سهولت و با درجه اطمینان بالا حدس بزند که فعل جمله فارسی احتمالاً «محاسبه کردن»، «اندازه‌گیری کردن»، «به دست آوردن» یا «برآورد کردن» بوده است و می‌تواند به تناسب، معادل انگلیسی یکی از آن‌ها را انتخاب کند:

(۷) در این مطالعه، متغیر وابسته «تلاش مالیاتی» را از تقسیم «مالیات وصول شده» بر «مالیاتی که طبق قانون بایستی وصول می‌شد»، به دست آورده‌ایم.

(8) In this study, we have **calculated** the independent variable of “tax effort” through dividng “collected taxes” by “what must have legally been collected”.

به عنوان نمونه‌ای دیگر از امکان پیش‌بینی فعل از روی بافت زبانی می‌توان به مسئله «باهم‌آیی‌ها»^{۱۲} اشاره کرد. مثلاً در افعال مرکب فارسی، بخش اسمی یا وصفی فعل

^{۱۱} - برای آشنایی با انواع بافت در ترجمه به کارگاه ترجمه اینجانب در شماره ۵۸ فصلنامه مترجم مراجعه فرمایید (خان‌جان، ۱۳۹۴).

^{۱۲} Collocations

مرکب از یک سو و بخش فعلی آن (فعل خفیف^{۱۳}) از سوی دیگر عموماً باهم آبی دارند. از آنجایی که در فارسی می‌توان بین این دو بخش فاصله انداخت و فرضاً از گروه‌های اسمی متعدد در حدفاصل آن‌ها استفاده کرد (مثلاً شامل ... بودن)، مترجم می‌تواند به راحتی و به دلیل آشنایی بینامتنی قبلی، فعل خفیف مورد نظر را شناسایی و پیش‌بینی کند:

(۹) رئیس‌کل سازمان امور مالیاتی کشور اظهار داشته است که چالش‌های نظام مالیات بر ارزش افزوده شامل عوامل متعددی همچون استفاده از فاکتورهای جعلی، عدم دسترسی به اطلاعات بانکی، فقدان ضمانت‌های اجرای قانون و به‌طور کلی، شیوع اقتصاد زیرزمینی می‌شود.

(10) President of Iranian National Tax Administration has said that challenges ahead of the VAT system **include** such factors as using fictitious invoices, unavailability of banking information, lack of law enforcement guarantees and, in general, prevalence of underground economy

دومین راهکاری که مترجم همزمان می‌تواند برای رویارویی با چالش جایگاه فعل در ترجمه از فارسی به انگلیسی به کار بندد، «مجهول‌سازی» است. در این راهکار، اقمار فعل (گروه یا گروه‌های اسمی مفعولی) در ابتدای جمله ظاهر می‌شوند و فعل به انتهای جمله رانده می‌شود. از آنجایی که بسامد وقوع جملات مجهول در زبان انگلیسی بیش از فارسی است مخصوصاً در گونه‌های متنی اطلاعی (که کاربرد ترجمه همزمان در این گونه‌های متنی محتمل‌تر به نظر می‌رسد)، توسل به راهکار مجهول‌سازی به ترجمه‌های نامأنوس و غیرطبیعی منجر نمی‌شود و به خوبی در بافت کلام می‌نشیند. نکته‌ای که باید در کاربرد این راهکار مد نظر قرار داد آن است که در صورت طولانی بودن جمله مبدأ، به‌طور بالقوه امکان از یاد بردن گروه اسمی فاعلی که قرار است به صورت یک گروه حرف اضافه‌ای در انتهای جمله ظاهر شود، وجود خواهد داشت. مترجمان همزمان البته بر قابلیت‌های خود از حیث عملکرد حافظه کاری و حافظه کوتاه‌مدت اشراف دارند و به اقتضای آن، از تکنیک همیشگی

¹³ Light verb

«یادداشت‌برداری» سریع برای مواجهه با چنین کاستی‌هایی بهره می‌برند. داده شماره (۱۱)، ترجمه همزمان جمله (۷) با توسل به راهکار مجهول‌سازی است:

(11) In this study, the independent variable of “tax effort” **has been calculated** through dividng “collected taxes” by “what must have legally been collected”.

به همین ترتیب، داده (۴) را نیز می‌توان به صورت زیر ترجمه همزمان کرد:

(12) Using fictitious invoices, unavailability of banking information, lack of law enforcement guarantees and, in general, prevalence of underground econmy **were mentioned** by President of Iranian National Tax Administrartion as the most important challenges of the VAT system.

راهکار دیگری که می‌توان برای مواجهه با معضل جایگاه فعل در ترجمه همزمان از فارسی به انگلیسی به کار بست، «سببی‌سازی» یا کاربرد «جملات سببی» است منوط به آن‌که بافت بلافصل زبانی یا موقعیتی مجوز این کار را صادر کند. به سخن دیگر، کاربرد این راهکار به شدت مقید به بافت است زیرا ساخت سببی اساساً منحصر به موقعیت‌های نسبتاً محدودی است که فاعل می‌تواند انجام فعل را به دیگری واگذار کند. بنابراین، فعل اصلی جمله لازم است از سنخ امور قابل واگذاری به غیر باشد. در این راهکار، مترجم همزمان بعد از ذکر فاعل یا ضمیر فاعلی، یکی از فعل‌های سببی‌ساز مثل *let, get, make* یا *make* را به کار می‌برد و بعد از آن گروه‌های اسمی مفعولی را نقل نموده و بلافاصله پس از آخرین آن‌ها صورت اسم مفعولی فعل اصلی را که اکنون دیگر در جمله فارسی ادا شده و بر وی معلوم گردیده است، در انتهای جمله به کار می‌برد، یعنی از یک ساختار سببی مجهول استفاده می‌کند. فرض کنید که در بافت موقعیت مشخصی، رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور دارد چگونگی تجدید ساختار سازمان تحت تصدی خویش را برای خبرنگاران تشریح می‌کند. در این بافت، مثلاً می‌توان جمله‌ای همچون جمله (۱۳) را به صورت جمله پیشنهادی (۱۴) ترجمه کرد:

توالی واژه در ترجمه همزمان ۱۰۷/۱۱۱۱

(۱۳) ما تمام ادارات کل، دواير ستادی، هیئت‌های حل اختلاف، ادارات امور مالیاتی شهرستان‌ها و همه واحدهای پشتیبانی زیرمجموعه آنها رو به سیستم‌های اینترنت تجهیز کردیم.

(14) We **made** all head offices, headquarter's divisions, boards of dispute settlement and tax affairs offices of townships and all their subsidiary logistic divisions **equipped** with intranet systems.

خُسن این راهکار آن است که به ایجاد جملات نشاندار (تأکید) منتهی نمی‌شود و امکان از یاد بردن گروه اسمی فاعل و به تبع آن، کمرنگ شدن عاملیت را نیز از میان می‌برد. اما این ریسک را هم در بر خواهد داشت که ممکن است مترجم همزمان در لحظه مواجهه با فعل اصلی، آن را به دلایل بافتی قابل سببی‌سازی نداند. در هر صورت، مترجم همزمان همواره با انواع و اقسام ریسک‌های مختلف سر و کار دارد و به مرور زمان، با افزایش تجربه و قابلیت پیش‌بینی او، به تناسب از آن ریسک‌ها کاسته خواهد شد.

راهکار دیگری که مترجمان همزمان به تناوب از آن استفاده می‌کنند مشتمل بر «انتظار توأم با کاربرد مواد زبانی خنثی» است. با این شیوه، مترجم همزمان از عبارت‌هایی همچون "as I have already said"، "as others, too, have frequently stated" یا "as ladies and gentlemen may possibly know ..." استفاده نموده و ضمن خریدن زمان از سکوت پرهیز می‌کند و آن‌گاه، به محض شنیدن فعل جمله مبدأ با افزایش سرعت گفتار، ترجمه خود را در زبان مقصد ارائه دهد. این کار را می‌توان با راهکارهای جبرانی مکمل مثلاً حذف جزئیات و اکتفای به کل توأم ساخت. بدین ترتیب، ممکن است در ترجمه همزمان داده (۱۳)، جمله‌ای همچون داده (۱۵) را بشنویم:

(15) **OK ... now ... let me say that, as ladies and gentlemen may possibly know, we have equipped all our divisions** with intranet systems.

در توضیح راهکار اخیر، بد نیست خاطر نشان سازیم که احتمالاً مهم‌ترین تفاوت نظری بین ترجمه نوشتاری و ترجمه همزمان آن است که ترجمه نوشتاری (و نیز سایر

انواع ترجمه شفاهی) مبتنی بر معیار ایجابی «تبادل» است در حالی که ترجمه همزمان مبتنی بر معیار سلبی «حذف» است. در ترجمه نوشتاری به طور معمول، بازسازی بیشینه پیام مبدأ در نظام مقصد مورد نظر است در حالی که در ترجمه همزمان از آنجایی که در عمل امکان انتقال و بازسازی کامل پیام مبدأ در نظام مقصد عموماً فراهم نیست، مترجم همزمان با هدف انتقال «لب کلام» یا «لب پیام»^{۱۴}، به بازسازی کمینه مواد زبانی مبدأ در نظام مقصد اکتفا می‌کند. به سخن دیگر، در حالی که ترجمه نوشتاری بر گزاره «تا آنجا که می‌توانید بگویید» استوار است، ترجمه همزمان مبتنی بر اصلی متفاوت مشتمل بر گزاره‌هایی از این قبیل است: «تا آنجا که می‌شود، نگویید»، «تا آنجا که لازم است، بگویید»، یا «تا آنجایی که ممکن است، حذف کنید». از این رو، می‌بینید که پنج گروه اسمی «مشمول» در داده (۱۳) جای خود را به یک گروه اسمی «شامل» در داده (۱۵) داده‌اند بی‌آنکه اساساً در انتقال لب پیام خللی ایجاد شده باشد.

و اما آخرین راهبردی که برای مواجهه با معضل جایگاه فعل در ترجمه همزمان از فارسی به انگلیسی به کار می‌رود و اتفاقاً بسامد وقوع نسبتاً بالایی هم دارد، «پیش‌اندازی عناصر بیانگری»^{۱۵} است. در این راهبرد، با تأسی به تکنیک کلان «تعقیب»، همه عناصر غیر فعلی متعلق به سازه «خبر» (یا بیانگر) به جایگاه مبتدا^{۱۶} (یا آغازگر) ارتقاء می‌یابند و متعاقباً به محض شنیدن سازه فعل، فاعل یا ضمیر فاعلی به همراه یک ضمیر مفعولی جبرانی (یا یک عنصر اشاری^{۱۷} دیگر) که به عناصر پیش‌اندشده ارجاع می‌کند، ظاهر می‌گردد. بدین ترتیب، داده (۱۳) را می‌توان به صورت جمله (۱۶) نیز ترجمه کرد:

(16) All head offices, headquarter's divisions, boards of dispute settlement and tax affairs offices of townships and all their subsidiary logistic divisions, we **equipped all these** with intranet systems.

¹⁴ Gist of message

¹⁵ Fronting of rhyme elements

¹⁶ Theme

¹⁷ Deictic element

مزیت نسبی این راهکار، تحمیل بار روانی کمتر بر ذهن و حافظه کاری مترجم، پرهیز از سکوت یا مکث‌های نامطلوب، استمرار ماهیت خطی زنجیره گفتار و اجتناب از ایجاد ساخت‌های نشاندار نامأنوس است ضمن این‌که مترجم می‌تواند در لحظه آخر راهکار بدیلی همچون مجهول‌سازی را بدون فوت وقت اتخاذ نموده و در محصول ترجمه همزمان خویش تنوع ایجاد کند.

به‌طور خلاصه، در این نوشتار از چالش عدم تقارن نحوی زبان‌های مبدأ و مقصد از نظر ترتیب آرایش سازه‌ای و به‌طور مشخص، جایگاه سازه فعل در جمله، برای ترجمه همزمان سخن گفتیم و راهکارهایی را برای ترجمه همزمان از زبان «فعل-انتہایی» فارسی به زبان «فعل-آغازین» انگلیسی پیشنهاد نمودیم. بدیهی است که ترتیب آرایش سازه‌ای جمله، منحصر به جایگاه سازه فعل در زنجیره خطی جمله نخواهد بود و مثلاً نوع توالی «صفت و موصوف» در گروه‌های اسمی را هم می‌توان در صورت نتایج صفات برای ترجمه همزمان چالش‌برانگیز دانست؛ موضوعی که در مجالی دیگر آن را به بحث خواهیم گذاشت.

کتابنامه

- خان‌جان، علیرضا (۱۳۹۴) «مسئله بافت در ترجمه»، فصلنامه مترجم، سال ۲۴، شماره ۵۸: ۹۳-۷۷.
- Chernov, Ghelly V. (2004). *Inference and Anticipation in Simultaneous Interpreting: A Probability-Prediction Model*. Amsterdam & Philadelphia: John Benjamins.
- Gile, Daniel. (1995). *Basic Concepts and Models for Interpreter Training*. Amsterdam & Philadelphia: John Benjamins.
- Gile, Daniel. (1997), "Conference interpreting as a cognitive management problem", in Joseph H. Danks *et al* (eds.). *Cognitive Process in Translation and Interpretation*. Pp. 196-214. London: Sage.
- Shabani, Karim (2004), "Persian verb-last sentences in simultaneous interpreting", *Translation Studies*, 2(5): 7-32.
- Setton, Robin (1999). *Simultaneous Interpretation: A Cognitive-Pragmatic Analysis*. Amsterdam & Philadelphia: John Benjamins.
